باسمه تعالی

# شبهات فرزند آوری با توجه به زندگانی حضرت زهرا(س)

ایجاد انگیزه

پیامبر خدا وارد منزل دخترشان، حضرت زهرا(س) شدند و بعد از سلام و احوالپرسی، به پاره تنشان فرمودند: دختر عزیزم: «من در بدن خود احساس ضعف می کنم؛[[1]](#footnote-1)»- گویا این ضعف همراه با حالت لرزیدن هم بود- ‌بنابراین درخواست یک روانداز برای خود کردند و به دختر دلبندشان گفتند: «آن عبای یمنی را برایم بیاور.[[2]](#footnote-2)» فاطمه به سرعت اینکار را انجام داد و عبا را بر روی دوش پدر انداخت. این فرصت بسیار مناسبی بود تا چهره نورانی پدر را از نزدیک نگاه کند؛ او چشم به صورت پدر دوخت و روی نورانی او را که مانند ماه شب چهارده در آسمان جلوه گری میکرد، ژرف نگریست. در این هنگام بود که فرزند ارشد حضرت زهرا(س) امام حسن(ع) که در سنین طفولیت بود وارد شد. مادر ورود فرزندش را اینگونه نقل می کند:

«فَما کانَتْ اِلاّ ساعَةً وَاِذا بِوَلَدِی الْحَسَنِ قَدْ َقْبَلَ وَقالَ السَّلامُ عَلَیک یا اُمّاهُ فَقُلْتُ وَعَلَیک السَّلامُ یا قُرَّةَ عَینی وَثَمَرَةَ فُؤ ادی[[3]](#footnote-3) پس لحظاتی نگذشت که دیدم فرزندم حسن وارد شد و گفت سلام بر تو ای مادر، گفتم: بر تو باد سلام ای نور دیده ام.»

حسن بوی خوشی را استشمام کرد و از مادرش از منشاء آن بو سوال کرد و مادر او را به حضور پدربزرگش بشارت داد، حسن که گویا نوید بسیار بزرگی شنیده بود خود را به کنار جدش رساند و سلامی عرضه داشت و جواب بسیار نیکویی شنید:

«وَقالَ السَّلامُ عَلَیک یا جَدّاهُ یا رَسُولَ اللَّهِ اَتَاْذَنُ لی اَنْ اَدْخُلَ مَعَک تَحْتَ الْکساَّءِ فَقالَ وَعَلَیک السَّلامُ یا وَلَدی وَیا صاحِبَ حَوْضی قَدْ اَذِنْتُ لَک[[4]](#footnote-4) و گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار ای رسول خدا آیا به من اذن می دهی که وارد شوم با تو در زیر کساء؟ فرمود: بر تو باد سلام ای فرزندم و ای صاحب حوض من پس من اذنت دادم.» این ماجرا در مورد امام حسین نیز تکرار شد.

## طرح بحث

یکی از جلوه های بسیار زیبایی که در این برش روایی و تاریخی از زندگی حضرت زهرا(س) برای هر انسان سلیم النفسی امکان جلوه دارد، نگرش بسیار زیبای حضرت فاطمه(س) و پدر بزرگوارشان(ع) نسبت به فرزندان خود می باشد. با توجه به آنکه می دانیم معصوم (ع) از روی هوا و هوس صحبت نمی کند و قول و فعلشان برای ما درس می باشد و حالت الگو بودن را دارد، بنابراین وقتی فرزند خود را «نور دیده» و «میوه قلب خود» عنوان می کند، یک حقیقت بسیار مهم را برای ما به عنوان محبین و دوستداران اهل بیت بیان می کند و آن هم این مطلب است که از مهمترین ثمرات و میوه های حیات طیبه حضرات معصوم(ع) بخصوص مادر سادات، فرزندان ایشان می باشد.

### چند سوال مهم

تا به حال ما از خودمان چنین سوالی کرده ایم که مهمترین ثمره زندگی ما چیست؟ ما چه نگرشی نسبت به فرزندان خود داریم؟ آیا فرزند آوری و پرورش فرزندانی که به آنها افتخار کنیم در اولویتهای زندگی ما هست؟ هان ای جوانی که در مجلس حضور داری! دختر و پسر دم بختی که صحبتهای مرا می شنوید! آیا با شنیدن و فکر کردن به فرزند قلبتان سرشار از شادی می شود یا اینکه تازه یاد غمهای خود می افتید؟ زوجهایی که تازه ازدواج کرده اید یا در شرف ازدواج هستید! آیا فرزند را مایه چشم روشنی و روشنایی چشم و دیده می دانید؟ یا اینکه آن را مانع لذت جویی خود در سالهای اول زندگی دانسته و به او به چشم مزاحم نگاه می کنید؟ شمایی که فرزند دارید! آیا دوست دارید تجربه خود را تکرار کنید یا اینکه همین فرزندانی که دارید برای هفت پشتتان بس است!؟ جامعه ما چه دیدی نسبت به مساله فرزند و فرزند آوری دارد؟ مسئولین بزرگوراری که تصمیمات شما در زندگی مردم تاثیر مستقیم و غیر مستقیم دارد! شما برای دادن این نشاط و فرزند آوری بدون دغدغه برای این ملت چه کرده اید؟

اجازه بدهید به متن جامعه رفته و این سوالات را پرسیده و جوابهای برخی از افراد را بشنویم:

سوال مشخص ما این است: نظر شما در مورد فرزند آوری در شرایط فعلی چیست؟ آیا شما در صورت امکان، اقدام به این عمل می کنید؟

جوابها را به دو قسمت کلی می توان تقسیم کرد:

1. عده ای که اصل فرزند آوری را انکار کرده و اصلاً تمایلی برای این کار ندارند. فعلاً‌ کاری به دلایل این افراد نداریم. هر چند پاسخ این افراد را هم خواهیم داد. (در اینجا میشود فقط سوال گروه دوم را مطرح کرد و به جواب هم که بعداً می آید نپرداخت)
2. عده بسیار زیاد دیگری که فرزند می خواهند ولی ممکن است آن را منوط به شرایط خاصی بدانند که بحث ما نیز در مورد دلایل این افراد و بررسی این موارد در زندگی حضرت زهرا(س) است. میخواهیم بررسی کنیم که آیا دلایل اینها با سیره و روش زندگی حضرت زهرا مورد تایید قرار می گیرد یا اینکه ما باید در تفکر و راهی که در پیش گرفته ایم تجدید نظر کنیم؟

### پاسخ به دسته اول( مخالفین با اصل فرزند آوری)

در جواب گروه اول که به طور کلی با فرزند آوری مخالف بودند و تمایل و گرایشی به داشتن فرزند نداشتند، می شود گفت: که این تفکر قطعاً با سیره زندگی حضرت زهرا(س) در تضاد است. چون حضرت در طول عمر کوتاه خود 4 فرزند را به جامعه اسلامی تقدیم کردند و یک فرزند ایشان نیز در دوران قبل از وضع حمل به دلیل اتفاقاتی که افتاد به شهادت رسید. دلیل عقلی که در جواب این دسته از افراد می توان بیان داشت این است که: انسان فطرتاً تمايل به بقا خود با ادامه نسل دارد و افرادي كه بچه دار نمي شود در گوشه و كنار دنيا براي فرزند دارشدن از علم روز و طب سنتي و ادعيه كمك مي گيرند. حتي برخي از روان شناسان فمنيست بچه دار شدن را امتياز زنان مي دانند. افرادي هم كه بچه دار نمي شوند و از باروري نا اميد مي شوند فرزندخوانده قبول مي كنند بنابراين برای گرايش به داشتن فرزند نياز به ادله نيست.

## دلایل افراد برای تاخیر در فرزند آوری یا تعداد فرزندان کمتر

### الف: شرایط اقتصادی

خیلی از افراد برای فرزند آوری صحبت از شرایط اقتصادی و مشکلات موجود در کشور - به خصوص در سالیان اخیر که مساله تحریمها هم زیاد شده است- می کنند. آنها این طور عنوان می کنند که بالاخره فرزند آوری بدون هزینه نمی شود، امکاناتی مانند مسکن، هزینه های تولد، هزینه های بعد تولد، هزینه پوشک! هزینه های تحصیل، هزینه های در خواستهای کودکان،‌ بحث ازداواج و همه اینها خودش کم نیست و کمتر آدمی در شرایط فعلی از پس این مسائل بر می آید: با خانه اجاره ای که نمی شود فرزند زیاد داشت؛ تازه هر جا می رویم که خانه بگیریم اول سوالی که از ما میشود این است: چند تا بچه داری؟ اکثر صاحبخانه ها هم، ‌یا دنبال زوجهای جوان تازه ازدواج کرده میگردند و یا اینکه نهایتاً یک فرزند و خیلی دست بالا دو فرزند را قبول می کنند. با وضعیتی که خانه های شهری دارند و خیلی از افراد مجبورند در فضای کوچکی زندگی کنند بالاخره باید جایی برای نفس کشیدن هم باشد؟ تازه از دوران بچگی صرف نظر کنیم، دو روز دیگر که بچه ها بزرگ میشوند و جست و خیز می کنند به نظر شما در یک قوطی کبریت می توان فرزندان را بزرگ کرد، همه آنها که بیش از یک فرزند دارند از شیطونی و ورجه وورجه بچه ها می نالند و عنوان می کنند که خیلی اذیت می شویم و به قول امروزیها پدرمان در می آید. و از این نوع مسائل و موارد که ریشه همه آنها به مسائل اقتصادی بر می گردد. به این معنی که اگر وضعمان خوب بود، ‌اگر ما هم مثل بعضی از مسئولین در آمد سرشار و نجومی داشتیم، ما هم اگر خانه بزرگ و ویلایی داشتیم،‌ ما هم اگر حساب بانکی پر و پیمانی داشتیم، ما هم اگر وضع پدر و مادرمان توپ بود و ...... حتماً اقدام به فرزند آوری می کردیم.

### پاسخ به دسته دوم افراد (که شبهاتی در این مورد داشتند.)

#### بهانه های اقتصادی

افرادی که بهانه های اقتصادی دارند از نظر قرآن می توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) افرادی که واقعاً فقیرند ب) افرادی که فقیر نیستند ولی ترس فقر دارند. در قرآن ما آیاتی در مورد قتل اولاد داریم که شاید به نوعی به بحث قتل اولاد و بحث سقط جنین مربوط می باشند؛ اگر اطلاق آیات مربوطه را بپذیریم حتی می توان مدلول این آیات را به بحث پیشگیری هم سرایت داد. البته اگر این کار را هم نخواهیم بکنیم میتوانیم از تعلیلی که قرآن به این افراد نسبت داده و از دلایلی که خود خداوند برای جلوگیری از کار این (فرزند دار نشدن افراد) اقامه کرده، می توانیم برای بحث خودمان استفاده کنیم.

خداوند در سوره مبارکه انعام آیه 151 می فرمایند:

« وَ لاٰ تَقْتُلُوا أَوْلاٰدَكُمْ مِنْ إِمْلاٰقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيّٰاهُمْ» ﴿الأنعام‏، 151﴾

و فرزندانتان را از تنگدستی نکشید، ما شما و آنان را روزی می دهیم.

در این آیه صحبت خداوند با کسانی است که واقعاً در گیر فقرند؛ زیرا بیان می کند که فرزندان را به خاطر املاق یا همان تنگدستی نکشید. گویی این افراد که به نوعی نمی توانند از پس مخارج خود بر بیایند یا اقدام به فرزند آوری نکرده و یا اینکه ممکن است دچار سقط جنین عمدی شوند. خداوند به این دسته از افراد خطاب می کند که ما شما را روزی می دهیم علاوه بر آن فرزندان شما را هم روزی می دهیم.

و در آیه 31 سوره اسراء نیز می فرمایند:

«وَ لاٰ تَقْتُلُوا أَوْلاٰدَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلاٰقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيّٰاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كٰانَ خِطْأً كَبِيراً ﴿الإسراء، 31﴾

فرزندانتان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می دهیم، یقیناً کشتن آنان گناهی بزرگ است.»

در این آیه شریفه گویی روی سخن با کسانی است که ترس فقر را دارند زیرا ظاهر آیه شریفه لفظ ترس فقر را بیان کرده است.( خَشْيَةَ إِمْلاٰقٍ) این افراد نگرانی از زندگی فعلی خود ندارند ولی از این می ترسند که اگر فرزندانی داشته باشند نتوانند از پس مخارج آنها بر آیند. البته این ترس شاید به نوعی ترس عقلایی هم به حساب آید برای همین است که خداوند این افراد را مورد خطاب قرار داده و با بیان اینکه ما هم رزق آنها و شما را می دهیم به نوعی در صدد بر طرف کردن نگرانی این افراد در مورد ارتزاق فرزندان آنها می باشد.

### ب: بچه به عنوان مزاحم و مانع از لذت جویی پدر و مادر

این مورد را زوجهای جوان بهتر درک می کنند. خوب بالاخره اول زندگی است و تازه زندگی را شروع کردیم، مگر چند سال دوران جوانی ما طول میکشد؟ از اول زندگی اگر فکر بچه باشیم پس کی از همدیگر لذت ببریم؟ بعد از سختیهای بسیار زیاد و مخارج کمر شکن مراسم عروسی، میخواهیم نفسی تازه کنیم. تو رو خدا اینقدر به ما جوانها گیر ندهید! مگر روایت نقل نمی کنید: «قلة العیال احد الیسارین[[5]](#footnote-5) ـ کمی اهل و عیال یکی از راحتیها و آسودگیهاست».

### ج: مناسبت نداشتن فرزندآوری با برخی شوون اجتماعی

به برکت آزادیهایی که برای زنان ایجاد شده و فرصتهای نسبتاً برابری که برای حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی ـ از عرصه اقتصاد و علم گرفته تا عرصه هنر و سیاست و ... ـ زنان زیادی در این عرصه‌ها حضور دارند و داشتن این مناسبات مختلف، نوعاً و معمولا ً‌با فرزند آوری در تضاد است. به عبارتی زنی که در یکی از این مناصب مشغول می باشد، بالاخره برای خود اعتباری دست و پا کرده و داشتن فرزند ممکن است لطمه ای به این موقعیت زده و شأن و منزلت اجتماعی او را دچار خدشه کند. شما نیز از چنین زنانی نباید انتظار داشته باشید مادامی که در این موقعیت می باشند خیلی برای مساله فرزند آوری اهمیت قائل شوند.

### ه: سایر دلایل

با گشت و گذاری در بین مردم و در فضای مجازی این موارد نیز به گوش میخورد:

اگر آگاهی و علم فرزند پروری ندارید یک موجود دیگر را بدبخت نکنید، مگر خودتان کم از دست تربیت نادرست پدر و مادر هایتان کشیده اید که حالا باز تصمیم گرفته اید که یک نفر دیگر را به همین روش بیچاره کنید؟

اگر فکر درست کردن عصای پیری هستید و می خواهید در سایه عزیزانتان آسایش داشته باشید و در هنگام پیری فرزندتان از شما دستگیری کند فکر بچه دار شدن را از کله مبارک بیرون ببرید. واقعاً کمیت چه اهمیتی دارد؟ باید به فکر کیفیت باشیم. مگه قرار است جوجه کشی راه بیندازیم؟

حالا چه کسی گفته که فرزند آوری رجحانی هم دارد بله اگر شما فرزند بیاوری و بتوانی او را خوب تربیت کنی و مشکلی هم پیش نیاید شاید بشود گفت که ثوابی هم گیرت می آید . یعنی بخاطر اینکه ما ثوابی کنیم یک نفر دیگر را بزور به این دنیا بیاوریم فکر نمی کنید این خیلی خودخواهی باشد؟

این دلایل معمولاً بیشترین مواردی است که خیلی افراد برای بحث فرزند آوری و فرار از این مسوولیت خطیر عنوان می کنند.

#### ریشه اصلی این نوع شبهات

به نظر میرسد اولین مشکلی که خیلی از افراد در بحث رزق و روزی با آن دست به گریبان می‌شوند مشکل اعتقادی است. گویا به نوعی در حوزه بینشی خود فقط خدا را تنها روزی رسان ندیده و برای خودشان نیز سهمی از رازقیت در نظر دارند. به زبان ساده تر، مهمترین اصل اعتقادی ما مسلمانان، توحید است. بهترین ترجمه «توحید» در زبان فارسی کلمه «فقط» است. وقتی می گوییم خداوند توحید در رازقیت دارد، یعنی «خدا فقط رازق است.» در نتیجه هیچکس غیر خدا از خدا رازق نیست. پس اگر من نیز برای خودم سهمی از رازقیت در نظر داشته باشم، قطعاً دچار شرک شده ام. خداوند در قرآن در جاهای مختلف عبارت «**ما رزقناکم» و یا «مما رزقناکم**» آورده است و تمام داشته های افراد را رزق خود به حساب می آورد. در نتیجه می توان گفت که اعتقاد به روزی دهندگی مطلق خداوند باعث حکومت یک نظام ارزشی، بر رفتار انسان خواهد شد که به خود اجازه نخواهد داد در محدوده تقدیر الهی، در محدوده رزاقیت دخالتی داشته باشد و اگر عقل معاش او حکمی مخالف این صادر کرد که تضادی با این اعتقاد داشته باشد آن را نخواهد پذیرفت. چنین انسانی که خداوند را در رأس همه امور می بیند و تنها به او اعتقاد دارد و جوانه توحید در درون قلبش بارور گشته به این راحتی در مورد هجمه های اعتقادی و این سخنان کمر خم نخواهد کرد. بلکه بر اساس اعتقاد صحیح و با استفاده از توکل و استفاده از امکانات خدادادی پای در مسیری خواهد گذاشت که رضایت خداوند در آن خواهد بود. این همان مسیری است که اهل بیت نیز ما را بدان راهنمایی می کنند. دقت در صفاتی مانند ربوبیت، قیومیت، خالقیت، رازقیت، عدالت، مالکیت خداوند و یگانه دانستن خدا در این صفات و باور آن راهی جدید پیش روی ما باز خواهد کرد.

#### نگاه سرمایه مدارانه به فرزند

نکته دیگری که باید به این اشخاص بیان کرد که در مسائل اقتصادی شما باید یک محاسبه دقیق داشته باشید و حساب هزینه فایده را نیز بکنید. دقیقاً، تفاوت یک تاجر موفق و دوراندیش با یک ذهن کاسب پیشه لحظه گراست در همین جاست که افق‌های دور را هم می بیند و به یک سرمایه گذاری پایدار می اندیشد و شرایط مختلف را بررسی می‌کند ولی ذهن منفعت گرای آنی فقط پیش پای خود را می بیند.

هر دو به منافع می اندیشند ولی یکی در کوتاه مدت و دیگری در افق کلان و دراز مدت هر چند که نیم نگاهی هم به وضعیت حال دارند. در بحث فرزند آوری دقیقا ً‌این مطلب و این دو نوع طرز تفکر جاری است. انسانهای دور اندیش به فرزندان به دید سرمایه نگاه کرده و بزرگترین سرمایه را نیروی انسانی می پندارند. آنها نیک می دانند که هر پیشرفتی بدون ملاحظه نیروی انسانی، پیشرفتی عقیم و ناپایدار و حتی خسارت بار خواهد بود. در زندگی اهل بیت و خصوصاً‌ حضرت زهرا(س) نیز چنین دیدگاهی موج میزند. آنچه که در طلیعه سخن ذکر گردید، شاهد خوبی بر این مدعا است. عباراتی مانند نور چشم و میوه دل آن هم از زبان معصوم(ع) که نمی توان آن را صرف بیان احساسات در لحظه، حساب کرد، این معنا را به ذهن می آورد که ثمره و حاصل و میوه واقعی زندگی دنیوی انسان و حاصل ازدواج، فرزند صالح است. در روایتی از امام صادق(ع) به نقل از رسول خدا (ص) نقل شده که: «فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.[[6]](#footnote-6)» این دید دقیقاً همین مبنای سرمایه نگرانه را به فرزند داشته و فرزند را به عنوان ذخیره دنیوی و اخروی میداند. این حقیقت در کلام امام سجاد(ع) به طور کامل متجلی می باشد:

«اَللَّهُمَّ وَ مُنَّ عَلَيَّ بِبَقَاءِ وُلْدِي وَ بِإِصْلاَحِهِمْ لِي و بِإِمْتَاعِي بِهِمْ‏[[7]](#footnote-7) اى خداوند، بر من احسان كن و فرزندانم را برايم باقى گذار و شايستگيشان بخش و مرا از ايشان بهره ‏مند گردان.»

در ادامه حضرت فرزند را مایه توانمندی و رفع گرفتاریهای والدین و به نوعی مایه زینت محضر پدر و مادر بیان می کنند.

«اَللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِي وَ أَقِمْ بِهِمْ أَوَدِي وَ كَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي وَ زَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي[[8]](#footnote-8)‏ بار خدايا، بازوى من به نيروى فرزندانم توانا گردان و به آنان، نابسامانيهاى من به سامان آور و به ايشان، شمار ياران من فزونى ده و مجلس من به وجود ايشان بياراى‏»

فرزندانی که نام والدین را زنده نگه خواهند داشت و باقیات الصالحات برای آنها خواهند بود. و دیگر پدر و مادر نباید خیلی نگران دوران از کار افتادگی و کهنسالی خود باشند زیرا سرمایه عمر خود را در بهترین جا و برای بهترین عمل یعنی تربیت انسان صرف کرده و انسان واقعی تحویل اجتماع داده اند. انسانهایی که از سرچشمه محبت انسانی پدر و مادر سیراب شده و نتیجه اش سیلان این مهر و محبت در امتداد بقاء خانواده و اجتماع خواهد بود.

«وَ أَحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي وَ اكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي وَ أَعِنِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي وَ اجْعَلْهُمْ لِي مُحِبِّينَ‏[[9]](#footnote-9) و نام من به ايشان زنده دار و در غياب من ايشان را كارساز من گردان و به ايشان ياريم ده كه بر حاجت خود دست يابم. اى خداوند، چنان كن كه فرزندان من دوستدار من باشند و بر من مهر ورزند.»

فرزندانی که اطاعت از والدین خود را مایه افتخار و قرب به درگاه الهی می دانند.

«وَ عَلَيَّ حَدِبِينَ مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي مُطِيعِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَ لاَ عَاقِّينَ وَ لاَ مُخَالِفِينَ وَ لاَ خَاطِئِينَ‏[[10]](#footnote-10) روى دلشان با من باشد و در يارى من پايدار باشند. فرمانبرداران من باشند نه عصيانگران و نه نافرمانان و نه مخالفان و نه خطاكاران.»

چنین نحوه از تربیت نیازمند یاری از سوی خداوند است و انسان برای این امر خطیر بعد از فراهم کردن مقدمات کار و کسب آگاهیهای لازم نیازمند استعانت و یاری طلبی واقعی از خداوند می باشد.

«وَ أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بِرِّهِمْ[[11]](#footnote-11) بار خدايا، مرا به تربيت ايشان و تأديب ايشان و نيكى و مهربانى در حق ايشان يارى فرماى.»

البته اینگونه نیست که تربیت و فرزند آوری و فرزند پروری همواره قرین مشکلات و سختیها باشد و تنها ثمره اش مربوط به آخرت باشد. بلکه فرزند همانگونه که در بیان نورانی اهل بیت(ع) هم آمده گلی بهشتی است و همه می دانیم که وجود گل در هر جایی مایه نشاط و شادابی است. خانه بدون فرزند خانه ای سوت و کور است و پدر و مادر شاید انگیزه چندانی برای زندگی نداشته باشند. وجود بچه مایه صفای دل می باشد. البته همانطور که قدما هم گفته اند: «فرزند عزیز است ولی تربیت او عزیز تر است».

#### جواب نقضی به این افراد

زندگانی حضرت زهرا(س) با توجه به اوضاع اقتصادی در صدر اسلام، و کمی امکانات حضرت(س) حتی در مایحتاج اولیه زندگی و سختیهای فراوان ایشان برای بحث فرزند پروری و روحیه ساده زیستی ایشان بهترین دلیل نقض این گونه بهانه ها می باشد. این در حالیستکه حضرت زهرا(س) فرزند دلبند اول شخص زمان خود بودند؛ ولی هیچگاه از این جایگاه خود بهره برداری اقتصادی نکردند. در سوره هل اتی و احادیث شأن نزول این آیات گوشه ای از اوضاع اقتصادی مردم آن زمان و وضعیت بیت علی و فاطمه(س) ، به صورت جالبی تصویر شده است.

### پاسخ به چند شبهه دیگر

تا اینجا عملاً ما چندتا از شبهات را خلال مورد اول پاسخ داده ایم. اگر در بحث مسائل اقتصادی مشکل اعتقادی داریم آن را حل کنیم.

اگر مشکل تنبلی و کمی تلاش داریم نیز همچنین بر تلاشمان بیفزاییم. زیرا خود خداوند می فرماید: «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسٰانِ إِلاّٰ مٰا سَعىٰ ﴿النجم‏،39﴾و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره ای] نیست،» از دعا و توکل نیز غافل نشویم.

#### پاسخ به لذت گرایان

انسان باید لذتهای وجود فرزندان را لذت واقعی دانسته و همانگونه که فرزندان حضرت زهرا(س) زینت بخش محفل پدر و مادر و مایه روشنی چشم آنها بودند ما هم واقعاً‌ این بها را به فرزندان خود بدهیم و از وجود آنها لذت ببریم. ضمن اینکه فرزندان مانع سایر لذتهای پدر و مادر نمی باشند و آنها می توانند با یک برنامه ریزی و هماهنگی با یکدیگر به سایر لذتهای حلال خود هم برسند. این یکی از مشکلات اساسی خیلی از زن و شوهرهاست که بخاطر عدم مدیریت، خود را از بسیاری از لذتها محروم کرده و متاسفانه این تفکر در سایر افراد هم رسوخ کرده و به نوعی به یک باور عمومی تبدیل شده که فرزندان مانع لذت جویی پدر و مادر می باشند. به نظر میرسد این مساله به خصوص در سالهای اول زندگی که زن و مرد نیاز بیشتری از لحاظ مسائل جنسی به هم دارند تا حدودی قابل حل باشد. هر چند فرزند داری و فرزند آوری هم اقتضائات خاص خود را دارد ولی با بیان هزینه و فایده ای که در بالا آمد و با طی صحیح مسیر تربیت فرزندان، تبعاً لذتهای بالاتری نصیب پدر و مادر خواهد شد که قابل مقایسه با لذتهای جنسی نیست. احتمالاً‌پدر بزرگها و مادر بزرگها حرف بنده را تصدیق کنند. زمانی که بسیاری از نیروهای جسمی انسان تحلیل می رود نگاه کردن انسان به ثمره های زندگی و به سر بردن با آنها و در کنار آنها بودن لذت سرشاری را نصیب انسان میکند.

لذت انسانهایی مانند فاطمه(س) در چیست؟ شاید کلی ترین و بهترین جوابی را که بشود به این سوال داد این است که: هر چیزی که بهتر جلوه های انسانی را متجلی و اطاعت از خالق را در پی داشته باشد. بیخود نیست هنگامی که زهرا(س) در محراب عبادت می ایستد نورش آسمانها و زمین را پر می سازد، بند بند وجودش از خشیت خداوند می لزرد و اینجاست که مهر تایید خداوند را می گیرد.«إِذَا قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا ظَهَرَ نُورُهَا لِلْمَلاَئِكَةِ فَيَقُولُ اَللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا مَلاَئِكَتِي اُنْظُرُوا إِلَى أَمَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ إِمَائِي بَيْنَ يَدَيَّ وَ هِيَ تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي وَ قَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي أُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ شِيعَتَهَا مِنَ اَلنَّارِ[[12]](#footnote-12) هر گاه در محراب عبادت بايستد نورش براى فرشتگان آشكار شود سپس خداى عز و جل ميفرمايد اى فرشتگان من نگاه كنيد به كنيزم فاطمه بزرگ و پيشواى كنيزها كه در برابرم ايستاده او چطور از ترس من اندامش ميلرزد او چگونه با دل و جان بعبادت و بندگى من رو آورده شما را گواه ميگيرم كه شيعيان او را از آتش ايمن قرار دادم» ما شاید نتوانیم عمق این لذت و حضور را درک کنیم. ولی چیزی که برای همه ما قابل درک است این است که لذتهای دیگری هم وجود دارند که می توانند اعماق وجودی انسان را متاثر ساخته و وجودش را لبریز از آن لذت نمایند. و ما هم برای این لذتها به اندازه توان خود اقدام نماییم.

#### عدم سازگاری فرزند با شوؤن اجتماعی

در مورد عدم سازگاری فرزند آوری زن با شوون اجتماعی زنان هم حضرت زهرا(س) بهترین پاسخ را با رساترین بیان به قرون و اعصار و همه زنان اعلام کرده اند. اگر بنا به کرامت خانوادگی و قومی و قبیله ای باشد، اگر بنا به موقعیت پدر و مادر باشد،‌اگر بنا به اصل و نسب باشد، اگر بنا به شهرت و شناختن دیگران از انسان باشد، اگر به لحاظ علم و آگاهی باشد، اگر ملاک ما ایمان و تقوا و ورع و تمامی مکارم اخلاق باشد، ‌اگر سنجه و میزان ما الگو بودن برای سایر زنان باشد، فاطمه در همه اینها سر آمد است. حتی اگر بنا به جمال باشد. پیغمبر خدا(ص) فرمودند: «لو کان الحسن شخصاً لکان فاطمه[[13]](#footnote-13). اگر برای زیبایی تجسمی بود همانا فاطمه می شد.» چه شده است زنانی که ادعای دینداری میکنند اینجا میخواهند از سیره فاطمه(س) عدول کنند؟ چه شده است که با ادعای شأن تراشی خود شانه از زیر بار این مسئولیت خالی می کنند؟ مگر حضرت فاطمه هیچ شأن اجتماعی نداشت!؟ همان زنی که برای زنان نمی پسندید که در انظار مردان باشد زمانی که احساس تکلیف کرد با رعایت همان حدودی که خداوند گذاشته بود در جامعه حاضر شد و به عهدی که مولایش داشت پایدار ماند و از همه اعتبارش در راه ولی خود هزینه کرد. مگر از فرزندی که در بطن خود داشت نگذشت؟ چه برای فاطمه با ارزش بود که آن را فدای بقای دین و ولایت حقه خداوند نکرد؟

نگاهی گذرا به زندگی حضرت زهرا(س) در یک نکته خلاصه میشود.: «و جاهدوا فی الله حق جهاده[[14]](#footnote-14)» حضرت(س) با تمام وجود در این راه ایستاد و ثمره این جهاد بزرگ همان کوثری شد که خداوند خطاب به نبیش گفت:« انا اعطیناک الکوثر[[15]](#footnote-15)». فکر می کنم بیان کوثر که بیان یگانه ای در قرآن است فقط زیبنده یگانه دوران، یعنی حضرت فاطمه زهراست(س) نامی که بوسیله ذریه طیبه آن حضرت امتداد قرون و اعصار را درنوردیده است و هر چه فضائل در عرصه گیتی سایه گستر است نام یکی از اولاد و ذریه ایشان در آنجا خودنمایی می کند.

## گریز روضه

حضرت زهرا(س) از وجود فرزندان خود برای مبارزات غیر مستقیم سیاسی خود نیز استفاده کردند، جایی که دست فرزندان خود را می گرفتند و به بیت الاحزان خود که در خارج از شهر برای گریه های زهرا(س) توسط علی بنا نهاده شده بود [[16]](#footnote-16)می رفتند و با بردن این بزرگ زاده ها ندای مظلومیت خود را به عالمیان اعلام میکردند؟ همه حسین(ع) را می شناختند، ‌همان حسینی که او را بارها بر سر و دوش پیامبر(ص) دیده بودند و دیده بودند که پیامبر بر لب و دهان او بوسه میزدند، حالا این حسین همدم ناله های مادری شده است که از یک طرف داغدار مرگ پدر است و از طرفی غصه دار غصب خلافتی که حق آنها بود......

الا لعنه الله علی القوم الظالمین

1. حدیث شریف کساء (انی اجد فی بدنی ضعفاً) [↑](#footnote-ref-1)
2. همان (ایتینی بالکساء الیمانی) [↑](#footnote-ref-2)
3. همان [↑](#footnote-ref-3)
4. همان [↑](#footnote-ref-4)
5. نهج البلاغه صبحی صالح، ص 495، انتشارات دارالهجرة، 1414ه.ق [↑](#footnote-ref-5)
6. - الکافی  ج‏6، ص: 3 إِنَّ اَلْوَلَدَ اَلصَّالِحَ رَيْحَانَةٌ مِنْ رَيَاحِينِ اَلْجَنَّةِ [↑](#footnote-ref-6)
7. دعای 25 صحیفه کامله سجادیه، ص 120، نشر الهادی، 1376 [↑](#footnote-ref-7)
8. همان [↑](#footnote-ref-8)
9. همان [↑](#footnote-ref-9)
10. همان [↑](#footnote-ref-10)
11. همان [↑](#footnote-ref-11)
12. ارشاد القلوب دیلمی، ترجمه عبدالحسین رضایی، ج2،ص 170، نشر اسلامیه، 1377 [↑](#footnote-ref-12)
13. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال , ج 11 , ص 127 [↑](#footnote-ref-13)
14. حج،78 [↑](#footnote-ref-14)
15. کوثر،1 [↑](#footnote-ref-15)
16. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام , ج 43 , ص 174 [↑](#footnote-ref-16)